



یادداشت

مردم گرسنه اگر طغیان نکنند چه کنند

صادق کار



اعتراضات کارگری به دلیل جواب نگرقتن عموماً منتهاست در مسیر خروج از چهار چوب صنفی و ورود به فاز صنفی سیاسی حرکت کرده‌اند. بسیار هم طبیعی است در کشوری که حقوق سندیکایی از طرف حکومت به رسمیت شناخته نمی‌شود و تشکلهای سندیکایی از طرف غاصبان قدرت مستبدانه سرکوب می‌شوند و همزمان با آن قوانین حمایتی از حقوق نیروی کار اگر هم وجود داشته باشد به آسانی به هیچ گرفته می‌شوند، چنین نشود.

انجام این اعمال که همچنان ادامه دارد، میلیونها کارگر و مزد بگیر شاغل و بازنشسته را به فقر و فلاکت و گرسنگی کشانده و عرصه را چنان بر عدهای تنگ کرده است که بعضاً متأسفانه ترجیح می‌دهند با کشتن و به آتش کشیدن خویش خود را از این جهنمی که رژیم برای آنان برپا نموده خلاص کنند.

برای کارگری که ۴ ماه و بلکه بیشتر دستمزد نگرفته و فریاد می‌زند دیگر برای خرید نان خالی هم پولی ندارم و مقامات دولتی بیشترمانه خود را به کری می‌زنند و فریاد بلندش را بی‌پاسخ می‌گذارند، جز طغیان علیه این نظم شبه برده‌دارانه چه راه دیگری مگر باقی گذاشته‌اند؟ مسئول این خودکشی‌ها و خود سوزی‌ها و گرسنگی دادن‌ها به مردم زحمتکش رژیم فقه‌هاست

در چنین رژیمی رودرویی کارگر با غاصبان قدرت و صاحبان سرمایه امری اجتناب ناپذیر است و زمانی دیکتاتور های ابله به اشتباه شان پی می‌برند که انباشت نارضایتی‌های توده‌های زحمتکش تحقیر و سرکوب شده فرصت بقا را از آنان سلب نموده است

هر روز که میگذرد از یکسو شمار اعتراضات کارگری شتاب بیشتری می‌گیرد و نارضایتی کارگران و مزدبگیران از وضعیت شان بیشتر می‌شود و از سوی دیگر حکومت در مهار بحرانها درمانده تر می‌نماید. علائم این ناتوانایی آنقدر برای مردم ملموس و قابل رویت هستند که انکار آنها ممکن نیست. معمولاً در کشور های دیگر زمانی که بحران‌ها حاد می‌شوند، دولت‌ها سعی می‌کنند در برنامه‌ها و سیاستها و رفتار خود با مردم تغییراتی بوجود آورند که با کمک آن بتوانند بحرانها را رفع یا حداقل اندکی تقلیل دهند. اما گویا رژیم حاکم بر ایران از این لحاظ هم مانند موارد دیگر متفاوت از بقیه عمل می‌کند. حالا حکایت بر خورد و ارونه حکومت با اعتراضات معیشتی مزدبگیران است که آستانه انفجار قرار گرفته است. حکومت به جای اینکه چاره‌ای برای بهبود وضعیت غیر قابل تحمل معیشتی کارگران و مزد بگیران شاغل و بازنشسته و میلیونها جوان بیکار و بی‌درآمد بکند، راه کارهایی را در پیش گرفته که به وخامت اوضاع معیشتی دامن می‌زند

روشن و طبیعی است که اینگونه رویکردها که همراه با سرکوب فعالین سندیکایی و اعتراضات معیشتی دنبال می‌شود مطالبات و اعتراضات صنفی و معیشتی را در اوج بی‌اعتمادی کارگران از حکومت به اعتراضاتی سیاسی فرا برویاند و تغییر حکومت را بر صدر مطالبات آنان بنشانند



اکنون به نظر می رسد ما در ایران وارد این مرحله شده ایم و آثار آن را می توانیم در رفتار اعتراضاتی بسیاری از کارگران و دیگر مزدبگیران و بعضی از شعارهای آنها ملاحظه کنیم. نارضایتی در میان گروه های اجتماعی دیگر نیز از حکومت اگر از کارگران بیشتر نباشد کمتر نیست. اکثریت بزرگ جامعه در فشار معیشتی شدید قرار دارد. در عین حال حدود ۷ تا ۹ میلیون نفر بیکار و فاقد درآمد هستند. دستمزد و حقوق آنها هم که کار می کنند به استثنای لایحه نازکی از مدیران و کارشناسان و متخصصان درجه یک، با دستمزد و حقوقی که می گیرند نمی توانند امورات شان را بگردانند. دستمزدهای عده زیادی از کسانی که شغل دارند منظم و به موقع به آنها پرداخت نمی شود و مطابق گزارشهای رسانه های دولتی بخشی از این گروه ها دیگر پولی برای خرید نان خالی هم ندارند و در استیصال شدید معیشتی هستند.

جابجایی در طبقه بندی اجتماعی بطرز کم سابقه و بلکه بی سابقه ای در سالهای اخیر جریان داشته است. بالغ بر ۸ میلیون نفر از افراد نسبتاً مرفه جامعه در یک دوره کوتاه از طبقه به اصطلاح متوسط به میان طبقات تحتانی و فرودست تر سقوط کرده اند. این جمعیت که به شدت از موقعیت اجتماعی تنزل یافته خود ناراضی اند، مستعد طغیان علیه عوامل سقوط اجتماعی خود هستند.

بنا به آمار پژوهشی دیگری در دهه ۹۰ تعداد فقرای کشور دو برابر شده اند. آمار بانک مرکزی خط فقر را ۱۱ میلیون تومان اعلام کرده است. اگر همین آمار تقلیل یافته بانک مرکزی را معیار بگیریم حداقل چهار پنجم جمعیت مزد و حقوق بگیر زیر خط فقر قرار دارند. این جمعیت انبوه را با هیچ نوع سرکوبی نمیشود کنترل کرد. آن زن کارگری که به دلیل نداشتن پول خرید دفتر و قلم خودش را به آتش می کشد، آن کارگرانی که در محل کار دست به خودکشی می زنند و آن سه معلمی که در طی چند هفته خودکشی می کنند و این آمارهای تعدیل شده همگی از خیزش و قیامهای خبر می دهند که در راهند.

وزارت کار اخیر گزارشی تحت عنوان (نقشه رفاه ایرانیان) را منتشر کرده است. در این گزارش آمارهایی در مورد فقر در کشور به دست می دهد که همگی دلالت بر وضعیت بحرانی فقر دارند. مطابق آمارهای این گزارش ۲۳ درصد از جمعیت کشور به عبارتی ۲۰ میلیون نفر در فقر قطعی به سر می برند. تعداد این افراد در سیستان و بلوچستان ۵۱ درصد ذکر شده است.

درصد کل جمعیت یارانه بگیر هستند و ۶۳ درصد نیز یارانه معیشتی می گیرند. حدود نیمی از جمعیت کشور فاقد درآمد و در واقع شغل هستند. ۸۱ درصد برخی استانها وضعیت از این میانگین هم بسی بدتر است. ۷۳ درصد خانوار ساکن بلوچستان و سیستان درآمد ثابت ماهانه ندارند و بالغ بر ۲۷ درصد آنان تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند و مجبورند با چندرغازی که با هزار و یک منت و شرط و شروط به آنان می دهند روزگارشان را با رنج و تنگدستی بگذرانند.

از سوی دیگر اما در مقابل دهها میلیون رانده شدگان در قعر فقر و بینوایی، لایحه نازکی از ثروتمندان بوجود آمده که ثروتهای شان را از طرقی همچون رانت و غارت سرمایه ها و درآمد کشور، استثمار بیرحمانه نیروی کار و انحصار قدرت سیاسی و اقتصادی به کمک تفنگ و سرکوب و کشتار و به خدمت گرفتن دین و دولت در جهت ثروت اندوزی به دست آورده اند. این جماعت جنایتکار غرق در فساد و پلیدی کوتاه بین تر از آن است که حتی لختی به عاقبت خود ببندید، بهمین خاطر گوشه های کرشان قادر به شنیدن صدای پای انقلاب مردم نیست.

انفجار خشم و نارضایتی توده های مردم بصورت خیزشی معمولاً ناگهانی و برای حاکمان زمان آن نا مشخص است. از کشتار ۱۷ شهریور ۵۷ تا ۲۲ بهمن که حکومت شاه فرو افتاد فاصله بسیار کوتاه بود. نارضایتی واقعی در آن موقع نسبت به رژیم سلطنتی کمتر از نارضایتی توده های کنونی از رژیم فقهانی بود و رژیم هنوز از حمایت بین المللی نیز برخوردار بود. در آن ایام کمتر کسی بود که باور داشته باشد رژیم شاه به آن سرعتی که فرو افتاد توسط انقلاب فرو افتد.

مگر کسی در حکومت و در اپوزسیون بود که ظهور ناگهانی و غافلگیرانه جنبش ۸۸، دی ۹۶ و خیزش آبان ۹۸ را در مقاطعی که رخ دادند پیشبینی کند. همه اینها یکی بعد از دیگری و دومی و سومی رادیکالتر از اولی اتفاق افتاد. خیزش یا انقلاب بعدی هم با وجود این حکومت فاسد و جنایتکار محتملتر از آن ایام است و با مطالباتی رادیکالتر از سه جنبش و خیزش قبلی از راه خواهد رسید. در چنین اوضاعی اگر مردم طغیان نکنند، چه کار نکرده دیگری مانده که باید بکنند.

از مبارزات کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مطالبات آنان حمایت کنیم!



تاریخ و تئوری تعاونیها بخش هفتم

[موریس آلتمان](#)



تعاونیهای مصرف حتی اگر نتوانند از نظر عرضه و قیمت کالا موفقتر از شرکتهای خصوصی عمل کنند، اما با ایجاد احساس تعلق یا اجتماع (انسجام اجتماعی) در اعضای خود، می توانند رضایت بیشتر آنها را فراهم آورند. این نوع انسجام اجتماعی و احساس هویت و همذات پنداری با تعاونی، می تواند از تعاونی در برابر نیروهای بازار "محافظت" کند و به آن اجازه می دهد قیمت های بالاتری را به ازای محصولاتی با کیفیت نازلتر عرضه کند

تئوری و تعاونیهای مصرف.

تأسیس و استقرار تعاونیهای مصرف و دیگر انواع تعاونیهای غیرکارگری با همان محدودیتهایی همراه است که گریبانگیر تعاونیهای کارگری اند، اما نه با آن ریسکهای مالی و وقت و انرژی که کارگران برای تأسیس و استقرار یک تعاونی کارگری باید متقبل شوند. با این حال تعاونیهای مصرف از استقبال بسیار و موفقیتهای قابل توجهی برخوردار شده اند. سازمانیافتگی اکید، به معنای وجود اشکال هیرارشیک مدیریت، در این تعاونیها لازم نیست و آنها می توانند با وجود دستمزدهای کم و شرایط کار نه چندان مساعد هم رقابتی باقی بمانند و هزینه کار در آنها با هزینه کار در رقبای غیرتعاونی شان همقدر باشد. در این حالت تعاونیهای مصرف مجبور به تأمین بیشتر نیروی کار خود نیستند، اگرچه که باید از نظر قیمت و کیفیت و نوع محصول، مزایای محسوسی را برای اعضای تعاونی تأمین کنند. از این قرار تعاونیهای مصرف می توانند از طریق تنظیمات سازمانی چندگروهی یا چندکاره، هم با محیط های کاری دموکراتیک تر و هیرارشی کمتر همپوشانی داشته باشند، و هم منافع مادی و غیرمادی را برای نیروی کار خود تأمین کنند.

امتیاز تعاون در تعاونیهای مصرف در این ظرفیت نهفته است که، در مقایسه با شرکتهای خصوصی بهتر می تواند ترجیحات اعضا را برآورد و بنابراین از این طریق رضایت بیشتر اعضا را فراهم آورد. مثلاً تعاونی می تواند در بازارهای نسبتاً غیررقابتی که مصرف کنندگان قدرت چانه زنی کمی دارند، ترکیب و کیفیت مناسبی از محصولات را در اختیار اعضای خود، به عنوان مصرف کننده، قرار دهد؛ می تواند مجموعه های مورد پسندی از کالاها و خدمات را با قیمت کمتر عرضه کند، می تواند بر عدم تقارن اطلاعاتی در



بازارهای مالی و اعتباری غلبه کند و به افرادی که قادر به گرفتن وام از بانکهای خصوصی نیستند، وام بدهد؛ و در صورتی که عملکرد یا تعاونی بازاریاب را به عهده داشته باشد، می تواند با افزایش قدرت چانه زنی در مقایسه با شرکت های بزرگ خصوصی که قدرت چانه زنی تثبیت شده ای دارند، قیمت های بالاتری را برای فروش کالاها یا خدمات اعضای تعاونی تضمین کند.

تعاونیهای مصرف حتی اگر نتوانند از نظر عرضه و قیمت کالا موفقتر از شرکتهای خصوصی عمل کنند، اما با ایجاد احساس تعلق یا اجتماع (انسجام اجتماعی) در اعضای خود، می توانند رضایت بیشتر آنها را فراهم آورند. این نوع انسجام اجتماعی و احساس هویت و همذات پنداری با تعاونی، می تواند از تعاونی در برابر نیروهای بازار "محافظت" کند و به آن اجازه می دهد قیمت های بالاتری را به ازای محصولاتی با کیفیت نازلتر عرضه کند. اعضا-مالکان تعاونی تا حد معینی آماده اند هزینه های بالاتری را بپردازند، صرفاً به این دلیل که این یا آن محصول توسط تعاونی آنها فروخته می شود. البته چنین رفتاری قابلیت ادامه حیات اقتصادی و اجتماعی تعاونی را تضعیف خواهد کرد، و صد البته هیچ چیز ذاتی در نوع سازمانی تعاونی وجود ندارد که حاکی از این باشد که تعاونی الزاماً باید بر احساس تعلق اجتماعی و هویت جونی اعضا اتکا کند. تعاونی ها می توانند کالاها و خدمات با کیفیت را با قیمت رقابتی تولید و عرضه کنند.

به علاوه قابل پیش بینی است که با افزایش تعداد تعاونیهای مصرف، امکان اتکا به احساس تعلق اجتماعی کاهش می یابد. در این حالت هر یک از اعضا قدرت کمتر و صدای نارساتری دارد و برای تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم گیری و نتایج آن دشواری بیشتر. حس تعلق اجتماعی و هویت یابی مرتبط با آن به نوبه خود می تواند امکانات تعاونی را برای حفظ و گسترش اعضا تضعیف کند. و چنین است که موفقیت تعاونیها به تابعی از قابلیت و ظرفیت آن برای رقابت با تولیدکنندگان و تأمین کنندگان سنتی غیرتعاونی می شود.

چشم اندازهای بین المللی

در باره اهمیت تعاونیها و گستردگی آنها در قرن جاری هیچ آمار قابل اتکائی وجود ندارد. از اینرو سازمان ملل در مطالعاتی در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ تخمین زده است که "جنبش تعاونی در آغاز قرن جاری بیش از ۸۰۰ میلیون نفر را در برمی گرفته و تأمین کننده حدود ۱۰۰ میلیون شغل بوده است." به علاوه در خلال ۱۵۰ سال گذشته در بیش از ۱۰۰ کشور ظهور و گسترش یافته اند. تعاونیها چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای درحال توسعه دارای اهمیت اند. آنها همچنین، چه در اقتصادهای بر بنیاد بیشترین بازار آزاد - همچون کانادا، بریتانیا و امریکا - و هم در اقتصادهای با مشارکت بیشتر دولتی، مثل اروپای قاره ای، از اهمیت برخوردارند.

علیه کاهش حق سنوات توسط دیوان عدالت ادراى و برای لغو آن مبارزه کنیم!

از مبارزه بازنشستگان برای اجرای همسان سازی و افزایش حقوق حمایت کنیم!



مبارزه موثر برای لغو کار پیمانی مستلزم مبارزه مشترک سازمانیافته ست

صادق



این شرکتها بواسطه سودهای سرشاری که بابت واسطه گری و دلالی به جیب می زنند و بخاطر اینکه غالبا به طرفداران رژیم و مسولین حکومتی وابسته و مرتبط هستند، به آسانی حاضر به از دست دادن موقعیت خود نیستند. حکومت هم از آنها و قانون شکنی ها و استثمارگری مضاعف صاحبان آنها دفاع می کند. بهمین جهت اقداماتی هم که تا کنون برای ضابطه مند کردن آنها در اثر فشار... اعتراضات کارگران در ظاهر شروع شده نیمه کاره

بیش از یک هفته است که کارگران چند معدن زغال سنگ در کرمان در اعتراض به دستمزدهای ناچیز، شرایط کاری دشوار، تبعیض و انواع زورگویی های کارفرما در اعتصاب به سر میبرند. معدنچیان زحمتکش می گویند ما در این معادن بخاطر فشار پیمانکار دوبرابر معادن دیگر ذغال سنگ استخراج می کنیم اما دستمزدی که به ما پرداخت می کنند نصف دستمزد همکاران ما در معادن دولتی است و به زحمت در صورتی که به اندازه سهمی که نماینده کارفرما برای هر یک از ما تعیین کرده زغال سنگ استخراج کنیم در حد حداقل دستمزد قانونی به ما می دهند. از مزایای قانونی هم محروم هستیم

کارگران می گویند بخاطر اینها اعتصاب کرده ایم و خواهان پرداخت دستمزد و مزایای برابر و حقوق قانونی خود با همکاران مان در معادن واگذار نشده هستیم

هیچ کدام از مطالبات معدنچیان نه غیر صنفی است و نه حتی خلاف قوانین موجود. با این همه معلوم نیست به جرم کدام گناه ناکرده ماموران مسلح سرکوبگر را که از بودجه عمومی و مالیات و ارزش افزوده کارگران حقوق و وسایل شان تامین و پرداخت می شود را برای سرکوب آنان می فرستند. اعتصاب حق طبیعی کارگر است و نیروهای نظامی حق دخالت در آن را ندارند. احتمالا عده ای از آنان را چنانکه مسبوق به سابقه است می گیرند و به اتهام کلیشه ای "تبانی علیه امنیت کشور" به زندان می اندازند و یا از کار اخراج می کنند

همزمان با این اعتصاب کارگران معدن مس "سونگون" در کرمان نیز که برای یک شرکت پیمانکاری کار می کنند با خواست پرداخت دستمزد و مزایای برابر با همکاران شان در شرکت ملی مس سرچشمه اعتصاب کردند. اعتصاب آنان اما پس از دو روز در اثر موافقت کارفرمای پیمانکار پایان گرفت. حالا باید تا پایان ماه مهر که موعد اجرای توافق کارفرماست منتظر ماند تا معلوم شود کارفرما به توافق اش پایبندی نشان خواهد داد یا نه



خواسته دیگر کارگران در معادن زغال سنگ و معدن مس لغو کار پیمانی و استخدام مستقیم توسط شرکت اصلی به منظور برخورداری از حق و حقوق قانونی است. پیمانکار معدن مس ظاهراً پذیرفته که در ازای حفظ شرکت پیمانکاری خود دستمزد و مزایای کارگران شرکت را برابر با شرکت ملی مس بالا ببرد. پیمانکاران معادن زغال سنگ فعلاً همچنان از پذیرش خواسته های به حق کارگران در حال ظفره رفتن هستند.

یکی از خواسته های کارگران شاغل در صنایع نفت و گاز که بالغ بر ۱۰۰ روز است هنوز تعداد زیادی از آنان در حال اعتصاب هستند، لغو کار پیمانی و استخدام مستقیم توسط شرکت مادر است. سایر خواسته های آنان نیز مشابه کارگران معادن فوق الذکر است. در این جا نیز تعدادی از پیمانکاران در اثر این اعتصاب طولانی و وسیع با افزایش دستمزد و مرخصی ها و بهداشتی کردن محیط های کار موافقت کرده اند. بهر حال کلنجار در میان کارگران پیمانی با کارفرمایان همچنان در آنجا هم ادامه دارد.

مبارزات علیه کار پیمانی و شرکت های پیمانکاری و بطور کلی شرکت های دلال نیروی کار محدود به این چند مورد و کارهای کارگری نیست. این یک مشکلی است که بخش، خدمات، آموزش و غیره را هم در بر می گیرد و دکاتی است پرسود که در رژیم فعلی به شدتی که هرگز به اندازه امروز سابقه نداشته وسعت داده شده است. در گذشته دامنه فعالیت شرکت های پیمانکاری عمدتاً محدود به بخش ساخت و ساز مسکن و پروژه های صنعتی بود و این شرکتها در کارهایی که ماهیت مستمر و دائمی داشتند حضور ملموسی نداشتند. اکنون اما حوز نفوذ و فعالیتهای پیمانکاری ها در تمام عرصه ها توسعه یافته است. پدیده هایی همچون معلم و پرستار شرکتی، و نگهبان و سیمبان... حاکی از رسوخ این شرکتها در حوزه های خدمات و بهداشت و آموزش است.

شرکت های پیمانکاری به دلیل اینکه دستمزد بسیار کمی به کارگران و کارکنان خود می دهند و شرایط کاری دشواری برقرار می کنند و عموماً قوانین و مقررات مربوط به حقوق کار را رعایت نمی کنند مورد اعتراض هستند و همه کسانی که برای این شرکتها کار می کنند خواهان پایان دادن به فعالیت این شرکتها در کارها و اموراتی هستند که ماهیت مستمر دارند.

این گفته یکی از کارگران زغال سنگ که در گزارش خبرگزاری اینلنا منعکس است، شاهدهی بر سود سرشار این شرکتها و سهم ناچیز کارگر از حاصل کارش است:

به گفته ی این کارگران، مدیران، هر ۱ تن زغال را حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می فروشد اما آن را با نیروی کار، ۳۵ هزار تومان محاسبه می کند که در نتیجه سود قابل ملاحظه ای را از آن کسب می کند؛ «در حالی که برای کارگران بخش خصوصی، نه طرح طبقه بندی مشاغل اعمال می شود و نه هیچ امتیاز شغلی دیگری؛ البته برای اینکه دستمزد ما به بیشتر از ۴ میلیون تومان در ماه برسد... باید «تعطیل کاری» را هم در برنامه بگذاریم؛ در غیر این صورت این دستمزد حداقلی، هیچ مزیتی نخواهد داشت

این شرکتها بواسطه سودهای سرشاری که بابت واسطه گری و دلالی به جیب می زنند و بخاطر اینکه غالباً به طرفداران رژیم و مسئولین حکومتی وابسته و مرتبط هستند، به آسانی حاضر به از دست دادن موقعیت خود نیستند. حکومت هم از آنها و قانون شکنی ها و استثمارگری مضاعف صاحبان آنها دفاع می کند. بهمین جهت اقداماتی هم که تا کنون برای ظابطه مند کردن آنها در اثر فشار اعتراضات کارگران در ظاهر شروع شده نیمه کاره به حال خود رها گردیده با این اوصاف فقط خود کارگران و کارکنان این شرکتها هستند که می توانند با سازماندهی اعتصابات جمعی به سلطه استثمارگرانه آنان بر بازار کار خاتمه دهند. حتی ظابطه مند کردن این شرکتها نیز بدون مبارزه مشترک همه کارگران میسر نمی شود و این خود مستلزم سازمانیابی گسترده نیروی کار است.

از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای لغو کار پیمانی و قراردادهای موقت حمایت کنیم!

به سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری و پیگرد فعالین کارگری پایان دهید!

از اعتصاب و مطالبات کارگران پیمانی و پروژه ای نفت حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب کارگران مس سونگون پس از موافقت کارفرما با مطالبات کارگران معترض پس از ۲ روز پایان یافت و کارگران پس از گرفتن تعهد از صاحب شرکت پیمانکار مبنی بر پرداخت مزد و مزایای برابر با کارگران مس سرچشمه به سر کار برگشتند. توافق به عمل آمده قرار است از ماه مهر به اجرا درآید. اگر کارفرما به توافق اش با کارگران پایبند بماند این یک پیروزی و پیشرفت قابل ملاحظه برای کارگران پیمانی این شرکت است که از اساس

ادامه اعتراضات خیابانی فرهنگیان در روز جهانی معلم، بازگشت دوباره بازنشستگان تامین اجتماعی به خیابان به علت خلف وعده دولت و مجلس، اعتصاب کارگران معادن خصوصی ذغال سنگ و مس در کرمان، ده روزه شدن اعتصاب کارگران هفت تپه، تداوم اعتراضات کارگران پیمانکاری در صنعت نفت و ادامه پیگرد فعالین سندیکایی مهمترین رویدادهای کارگری این هفته هستند.

اعتراضات گسترده معلمان و فرهنگیان در روز جهانی معلم

هزاران معلم در ۱۳ مهر (۵ اکتبر) روز جهانی معلم را با تجمع های اعتراضی در شهرهای مختلف کشور برگزار کردند. معلمان شرکت کننده در تجمعات روز جهانی معلم بار دیگر مراتب اعتراض و نارضایتی خود از رفتار دولت و سیاستهای آموزشی را محکوم و خواهان تغییر آنها شدند.

تاکید دوباره بر اجرای درست رتبه بندی، افزایش حقوق معلمان به ۱۲،۵ میلیون تومان، همسان سازی حقوق بازنشستگان، آزادی معلمان زندانی و منع پیگرد فعالیت های سندیکایی، تامین آموزش رایگان همگانی و فراهم کردن امکانات آن، توقف خصوصی سازی آموزش، از مهمترین خواسته های مشترک معلمان و فرهنگیان شرکت کننده در تجمعات روز جهانی معلم بودند. تشکلهای صنفی فرهنگیان و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و فرهنگیان که نقش فعالی در برگزاری مراسم مربوط به روز جهانی معلم به عهده داشت بمناسبت روز جهانی معلم بیانیه ای صادر کرد و در آن روی خواسته های مشترک معلمان و اجرای آنها توسط دولت تاکید نمود.

درست در همین روز، خبر اخراج محمد حبیبی سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان توسط مسئولین آموزش و پرورش! بعنوان تحفه حکومت به معلمان منتشر شد



گفتنی است که قبل از این نیز یک بار دیگر آقای حبیبی را در حالیکه در زندان به سر می برد به بهانه غیبت اخراج کرده بودند که در پی شکایت ایشان به دیوان عدالت به دلیل ناکافی بودن ادله حکم گذشته لغو شده بود. با این اوصاف تنها خواجه حافظ شیرازی است که نمی داند علت اخراج هیچ چیز به غیر از فعالیت سندیکایی و نقش والای حبیبی در تشکیل تشکلهای صنفی و سازماندهی اعتراضات معلمان نیست. اما این پیگردها همچنان که تا کنون در عمل روشن شده نتوانسته و نمی تواند معلمان و فرهنگیان را از راه و روشی که برای رسیدن به مطالبات شان در پیش گرفته اند منحرف نماید.

اعتصاب در هفت تپه ۱۰ روزه شد

دور تازه اعتصاب در هفت تپه در پایان هفته ۱۰ روزه شد. کارگران اعتصابی به رغم همه فشارهای امنیتی و معیشتی با همبستگی و روحیه تحسین انگیز خود و استواری روی مطالبات شان تا کنون به صورت فعالی اعتصاب شان را ادامه داده اند

آنان همه روزه در اجتماعاتی که برگزار می کنند در مورد همه مسائل مربوط به اعتصاب نظر می دهند و به طور جمعی تصمیم می گیرند و تصمیمات جمع را به عمل در می آورند. در این میان مسئولین دولتی و حکومتی با پیشه کردن سیاست سکوت تلاش می کنند کارگران را از اعتصاب شان خسته و آنها را وادار به تسلیم در مقابل تصمیمات خودشان نمایند. سیاستی که تا کنون بی اثر بوده است

بازگشت دوباره بازنشستگان تامین اجتماعی به خیابان

بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی که در اثر وعده های دولت و مجلس و توهم پراکنی تشکلهای فریبکار حکومتی بطور موقت تظاهرات خیابانی شان برای اجرای همسان سازی واقعی، افزایش حقوق بازنشستگی و درمان رایگان تعلیق کرده بودند، دوباره در یکشنبه این هفته به دلیل خلف وعده های دولت و مجلس به خیابان برگشتند. به دنبال فراخوانی که در هفته گذشته توسط تشکلهای مستقل بازنشستگان منتشر شد، بازنشستگان خشمگین از گرانی ها و سقوط همه روزه قدرت خرید شان و امتناع دولت و مجلس از اجرای همسان سازی و افزایش حقوق بازنشستگی در چندین شهر و مراکز استان به اعتراضات خیابانی پرداختند. نظر به ترمز بریدن قیمتها و سقوط مداوم ارزش حقوق های زیر خط فقر بازنشستگی افزایش اعتراضات محتمل به نظر می رسد. اما به ثمر رسیدن اعتراضات مستلزم توانایی تشکلهای مستقل برای آوردن تعداد هرچه بیشتری از بازنشستگان به خیابان و روشنگری در مورد اعتماد نکردن به وعده های کاذب نهادهای دولتی و حکومتی است

اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ در کرمان

اعتصاب کارگران معادن خصوصی ذغال سنگ که از هفته گذشته شروع شد، همچنان ادامه دارد. اعتصابیون که از دستمزدهای ناچیز و از شرایط دشوار کاری خود و اجحافات ستمگرانه و غیر انسانی صاحبان این معادن به شدت ناراضی و معترضند، تا کنون توانسته اند اعتصاب شان را ادامه دهند. اطلاعات منتشر شده از جزئیات خواسته های کارگران روشن می کند که دستمزد کارگران در معادن خصوصی نصف دستمزد همکاران شان در معادن دولتی است. قانون کار در این معادن بکلی رعایت نمی شود و پرداخت حداقل دستمزد قانونی منوط به استخراج حجم معینی از زغال سنگ است که مقدار آن توسط مدیران معادن تعیین می شود. در این بین ادارات کار و مسئولین ادارات صمت و معدن نیز با بی توجهی به شکایات کارگران از وضعیت موجود و ستمی که به کارگران فاقد تشکل می رود حمایت می کنند. هم از این روست که تلاشهای این جماعت که تنها سروکله شان هنگام اعتصاب آن هم برای سرکوب نرم و خشن پیدا می شود، برای اقناع کارگران برای بازگشت به کار تا کنون بجایی نرسیده است. اعتصابیون شرط بازگشت به کار را موافقت با خواسته هایشان اعلام کرده اند. خبرگزاری ایلنا در قسمتی از گزارشی که در خصوص علل اعتصاب منتشر کرد به نقل از کارگران نوشت: «به گفته های این کارگران، مدیران، هر ۱ تن زغال را حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می فروشد اما آن را با نیروی کار، ۳۵ هزار تومان محاسبه می کند که در نتیجه سود قابل ملاحظه ای را از آن کسب می کند؛ «در حالی که برای کارگران بخش خصوصی، نه طرح طبقه بندی مشاغل اعمال می شود و نه هیچ امتیاز شغلی دیگری؛ البته برای اینکه دستمزد ما به بیشتر از ۴ میلیون تومان در ماه برسد باید «تعطیل کاری» را هم در برنامه بگذاریم؛ در غیر این صورت این دستمزد حداقلی، هیچ مزیتی نخواهد داشت»



اعتصاب کارگران معدن مس سونگون با پذیرش مطالبات اعتصابیون پایان یافت

اعتصاب کارگران مس سونگون پس از موافقت کارفرما با مطالبات کارگران معترض پس از ۲ روز پایان یافت و کارگران پس از گرفتن تعهد از صاحب شرکت پیمانکار مبنی بر پرداخت مزد و مزایای برابر با کارگران مس سرچشمه به سر کار برگشتند. توافق به عمل آمده قرار است از ماه مهر به اجرا درآید. اگر کارفرما به توافق اش با کارگران پایبند بماند این یک پیروزی و پیشرفت قابل ملاحظه برای کارگران پیمانی این شرکت است که از اساس به دلیل شرایط کاری دشوار، دستمزد و مزایای کم و نداشتن امنیت شغلی در شرکتهای پیمانکاری خواستار برچیدن بساط شرکتهای پیمانکاری و دلایلی در بازار کار هستند

کارگرانی که دیگر پول برای خرید نان خالی هم ندارند

کارگران شهرداری کوه عبدالله که طی ۴ ماه گذشته نه دستمزد و مطالبات مزدی شان را به آنها داده و نه حق بیمه های شان را رد کرده اند و تجمعات اعتراضی و مراجعات مکرر شان به مسئولین ذیربط بی نتیجه مانده اند، به خبرنگار ایلنا گفتند دیگر پولی حتی برای خریدن نان خالی هم ندارند و قصد دارند برای رسیدگی به پایتخت مراجعه کنند

متأسفانه حال و روز بسیاری از کارگران و بویژه کارگران شهرداری ها در شهرهای مختلف این روزها همانند کارگران شهرداری کوه عبدالله است. تجربه همه آنها در مراجعه به مسئولین ذیربط نیز کم و بیش مشابه اند. بنا بر این مراجعه به مسئولین پایتخت نشین هم به نظر نمی رسد برای کارگران نان و آبی بهمراه داشته باشد. حکومت نشان داده که قادر به پاسخگویی به حداقل خواسته های مردم نیست. راه چاره واقعی دست خود مردم و اعتراض و اعتصاب های نه پراکنده بلکه عمومی است. رژیمی که قادر نباشد نیازهای حداقلی مردم را تامین نماید، یا باید قدرت را به مردم واگذارد و یا مردم آن را کنار خواهند زد

اعتراض متحدانه کارکنان هما موجب شد تا بخشی از مطالبات آنان را پرداخت کنند

اعتراضات متحدانه شاغلان و بازنشستگان هما و نگرانی حکومت از زمینگیر شدن پروازهای این شرکت موجب عقب نشینی مسئولین ذیربط و پرداخت بخشی از مطالبات آنان شد. اگر اعتراض خیابانی نمی شد، همین مقدار هم پرداخت نمی شد! اعتراض و اعتصاب در این حکومت یگانه راه احقاق حق و حقوق است هرچه اعتراضی متحدانه تر باشد به همان نسبت شانس پیروزی آن بیشتر می شود

ادامه اعتراض و اعتصاب در شرکتهای نفتی

در این هفته نیز کشاکش میان کارگران شاغل در شرکتهای پیمانکاری فعال در صنایع نفتی ادامه پیدا کرد. به گزارش شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت، کارگران چند شرکت در اعتراض به خلف وعده های کارفرمایان مبادرت به اعتراض و اعتصاب کردند. گزارش چند مورد از این تحركات که در کانال این شورا منتشر شده اند عبارت اند

تجمع اعتراضی همکاران پیمانی ارکانی ثالثی ما در مجتمع پتروشیمی ماهشهر"

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه کارگران ارکان ثالث مجتمع پتروشیمی شاغل در منطقه ویژه بندر ماهشهر در اعتراض به وضعیت نامناسب شغلی و معیشتی و با شعار اتحاد، اتحاد دست ه تجمع اعتراضی زدند. خواست فوری این کارگران حذف شرکت های پیمانکاری و عقد قراردادهای مستقیم است و این مطالبه همه ما کارگران در صنعت نفت است. درود میگوییم به همکاران ارکان ثالثی در مجتمع "پتروشیمی ماهشهر"

روز دوشنبه ۱۲ مهرماه نیروهای ارکان ثالث شاغل در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی از جمله هلدینگ خلیج فارس برای دومین روز و با مطالبه برچیده شدن بساط پیمانکاران و قراردادهای مستقیم تجمع کردند. در این روز این همکاران در خیابان های بندر



ماهشهر دست به راهپیمایی زدند. حذف پیمانکاران یک خواست سراسری همه ما کارگران نفتی است. اعتراضات همکاران ارکان ثالثی "ما در پتروشیمی ماهشهر یک قدم مهم در تقویت اعتصاب ما کارگران پیمانی پروژه ای نفت و پیشبرد این مطالبه است روز ۱۱ مهر کارگران پالایشگاه گاز بید بلند دو در اعتراض به متحقق نشدن خواسته‌هایشان و وضعیت نابسامان کاری و معیشتی " خود در درون پالایشگاه دست به تجمع زدند. اعتراضات در نفت گسترده است. برجیده شدن بساط پیمانکاران یک اکنش شورای سازماندهی همچنین در پنجشنبه هفته جاری در واکنش به سفر رئیسی به منطقه بیانیه کوتاهی منتشر کرد. در بیانیه که با عنوان فراخوان در کانال شورا منتشر شد گفته می شود تاکید شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر ایستایی روی مطالبه گری و استقلال خود

یک فراخوان مهم

ما به پیشواز نمیرویم، ما مطالبه گریم

برنامه ما نوشتن خواسته هایمان بر روی بنر ها و بدست گرفتن آنها و بلند کردن صدای رسای اعتراضمان به این همه بی حقوقی است.

ما مذاکره نداریم. خواهشهایمان را هم قبلا اعلام کرده ایم. باید دستمزدهای ما به میزان درخواستی ما افزایش یابد. باید بیست روز کار ... و ده روز مرخصی اجرایی شود

قرار است ابراهیم رئیسی و مقاماتی از حکومت سفری به بوشهر داده باشند و در پانزدهم مهرماه سری هم به عسلویه و سایت های - پالایشگاهی و پتروشیمی بزنند. ما به پیشواز نمیرویم. ما مطالبه گریم و برنامه مان به مناسبت این روز به قرار زیر است

برنامه ما بر پای تجمعات اعتراضی در عسلویه و کنگان و در همه مراکز نفتی در بوشهر است بخاطر اینکه با گذشت بیش از سه - ماه هنوز خواهشهایمان بی جواب مانده است

برنامه ما نوشتن خواسته هایمان بر روی بنر ها و بدست گرفتن آنها و بلند کردن صدای رسای اعتراضمان به این همه بی حقوقی - است.

ما مذاکره نداریم. خواهشهایمان را هم قبلا اعلام کرده ایم. باید دستمزدهای ما به میزان درخواستی ما افزایش یابد. باید بیست روز - کار و ده روز مرخصی اجرایی شود و در این رابطه بویژه از اعتراضات همکارانمان در عسلویه و کنگان که هیچگونه جوابی نگرفته اند، پشتیبانی میکنیم. ما تاکید میکنیم که باید دستمزدها بموقع پرداخت شوند و باید خوابگاهها و وضع غذا و ایمنی محیط کار بهبود جدی پیدا کنند. در عین حال ما نیز همصدا با همکاران ارکان ثالثی خود در پتروشیمی ماهشهر بر قراردادهای مستقیم کاری بعنوان حق مسلم خود و برجیده شدن بساط پیمانکاران تاکید داریم

همه با هم و متحدانه آماده باشیم. اعتراضات ما تا رسیدن به خواهشهایمان ادامه خواهد داشت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت - ۱۴ مهر

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

دولت موظف است معاش تهی دستان و آسیب دیدگان از کرونا را تامین کند!



دستمزد و حقوق کارگران و مزدبگیران باید به موقع پرداخت شود!



از اعتصاب و مطالبات به حق کارگران هفت تپه حمایت کنیم!

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>